





مرکز جهانی علوم اسلامی  
مدرسه عالی فقه و علوم اسلامی  
پایان نامه کارشناسی ارشد  
رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

# ویژگی‌های مجازات در اسلام

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین سید حسن عابدیان

دانش پژوه:

علی شریفی

تاریخ: ۱۳۸۰

## فهرست مطالب

۷	مقدمه: .....
۱۱	بخش اول: جرم .....
۱۳	الف) جرم در لغت .....
۱۴	ب) جرم و جنایت .....
۱۵	ج) جرم در اصطلاح فقها: .....
۱۸	د) جرم در قرآن .....
۲۵	هـ) تعریف حقوقی جرم: .....
۲۸	فصل دوم: ملاک جرم .....
۲۹	الف) ملاک جرم در عرف حقوق .....
۳۰	۱- مصلحت جامعه: .....
۳۰	۲- نقض عدالت: .....
۳۰	۳- نظریه تلفیق: .....
۳۱	۴- نقض اخلاق: .....
۳۱	ب) ملاک جرم در فقه اسلام .....
۳۴	فصل سوم: عناصر جرم .....
۳۶	الف) عنصر قانونی مجرم .....
۳۹	عنصر قانونی در اسلام .....
۳۹	۱- اصل اباحه .....

- ۲- اصل یا قاعده قبح عقاب بلا بیان ..... ۴۰
- ب: عنصر مادی جرم: ..... ۴۰
- اول - مرحله تفکر جرم ..... ۴۱
- دوم: مرحله تهیه ابزار ..... ۴۷
- ج) مرحله شروع ..... ۵۰
- د) عنصر معنوی جرم: ..... ۵۳
- الف) مسئولیت جنائی: ..... ۵۴
- ب) مسئولیت اخلاقی: ..... ۵۴
- ج) مسئولیت مدنی: ..... ۵۵
- د) مسئولیت عقدی یا قرار دادی: ..... ۵۵
- عوامل رافع مسئولیت ..... ۵۸
- دسته اول: شرایط عامه ..... ۵۹
- الف) عقل: ..... ۵۹
- ۱- جنون: ..... ۵۹
- ۲- سکر و مستی: ..... ۶۱
- ۳- خواب و بیهوشی: ..... ۶۲
- ب) بلوغ: ..... ۶۴
- ج) اختیار: ..... ۶۵
- ۱- اجبار: ..... ۶۶
- ۲- اکراه: ..... ۶۶

- ۱- اکراه تام یا ملجیء: ..... ۶۷
- ۲- اکراه ناقص یا غیر ملجیء: ..... ۶۷
- ۳- اکراه اخلاقی: ..... ۶۸
- ۳- اضطرار: ..... ۷۰
- (د) علم: ..... ۷۰
- ۱- جهل: ..... ۷۱
- ۲- خطاء: ..... ۷۲
- ۳- نسیان: ..... ۷۳
- دسته دوم: شرایط خاصه ..... ۷۴
- اول: احقان ..... ۷۵
- دوم: ابوت ..... ۷۶
- سوم: مکافأة ..... ۷۶
- فصل چهارم: انواع جرم ..... ۷۸
- انواع جرم ..... ۷۹
- بخش دوم: مجازات: ..... ۸۵
- فصل اول: ماهیت مجازات ..... ۸۵
- ۱/۱- مجازات در لغت ..... ۸۵
- ۱/۲- مجازات در اصطلاح حقوق ..... ۸۷
- ۳- ۱- مجازات در اصطلاح فقه ..... ۸۹
- فصل دوم: هدف از مجازات ..... ۹۱

فصل سوم: انواع مجازات	۹۸
فصل چهارم: ویژگیهای مجازات در اسلام	۱۰۱
گفتار اول: تعداد ویژگی ها در نوشته های دیگران	۱۰۴
گفتار دوم: تلفیق و توضیح ویژگی ها	۱۰۵
۱- اصل قانونیت مجازات	۱۰۶
۲- اصل شخصی بودن مجازاتها	۱۰۸
۳- همگانی بودن مجازاتها	۱۱۳
۴- مجازات باید با هدف اصلاح فرد و جامعه باشد	۱۱۳
۵- جرم و کیفر باید متناسب باشند	۱۱۶
در جرم روابط نامشروع:	۱۱۹
۶- مجازات باید فردی باشد:	۱۲۱
۷- اندازه مسؤولیت کیفری در نظر گرفته شده:	۱۲۲
جمع بندی از ویژگی ها	۱۲۳
نتیجه:	۱۲۴
فهرست منابع عربی	۱۲۶
فهرست منابع فارسی	۱۲۸

## مقدمه:

فقه را به دو بخش تقسیم کرده‌اند، عبادات و معاملات. بخش معاملات در واقع، شامل کلیه مباحثی است که مربوط به بخش عبادات نباشند. بنابراین مسائل حقوقی چون قصاص، دیات و حدود نیز در همین بخش داخل می‌شوند. هر چند که معامله بالمعنی الاخص نباشد. فقه شیعه به دلایل مختلف، و از آن جمله دوری فقها از درگیری مستقیم با مسائل حکومتی، عمده توجهش را به بخش عبادات معطوف داشته است و از پرداختن به معاملات غالباً، غفلت شده است. اگر هم بحثی صورت پذیرفته است، فقط بعنوان تعیین وظیفه اشخاص بوده است تا تحدید حدود و ثغور مسائل اجتماعی و سیاسی و از این رو جنبه های سیاسی اجتماعی فقه به صورت گسترده از کنکاش فقها برکنار مانده است.

در عصر حاضر که از سوئی فقه شیعه درگیر مسائل حکومتی و سیاسی شده است، و از سوی دیگر نیازمندیهای روز تغییر یافته است و کل مکتب، بویژه فقه شیعه، با چالش بزرگ تمدن بسیار نیرومند و مجهز غرب روبرو شده گردیده، لازم است اندیشمندان مسلمان وظیفه خود را در دفاع از تمدن اسلامی در مقابل تمدن مهاجم انجام دهند. این مهم برآورده نخواهد شد مگر آنگاه که مروری نقادانه و از سر تأمل به گذشته خود در زمینه های مختلف داشته باشیم تا ضمن پیرایش متون و بنیادهای فکری خود آنها را با مقتضیات عصر حاضر منطبق بسازیم.

یکی از زمینه هایی که بسیار اهمیت دارد و متأسفانه هنوز در حوزه های علمیه شیعه با بی مهری به آن نگریسته می‌شود، حقوق اسلامی است، که از زیر مجموعه‌های آن مساله مجازاتهای اسلامی می‌باشد.

اهمیت این بحث وقتی روشن می‌شود که صحبت از ناکار آمدی و منطبق نبودن آنها با مطالبات عصر حاضر بر سر زبانها است. و دستگاه تبلیغی غرب با شدت هر چه تمام تر به آن دامن می‌زند.

گفتار حاضر که به پیشنهاد مرکز جهانی علوم اسلامی بر عهده این حقیر گذاشته شده است، تلاشی است در مسیر رسیدن به هدف فوق و برای شخص خودم آغاز حرکتی است برای درک بهتر مفاهیم این بحث. اما در این بحث مشکلات عدیده‌ای فرا روی من قرار داشت که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اولین مشکل عدم آشنائی و نداشتن هر گونه سابقه ذهنی از موضوع بود، بگونه‌ای که در بدو شروع به کار حتی یک کتاب در این موضوع مطالعه نکرده بودم. از این رو خطر ناشایانه عمل کردن در سراسر مقاله وجود دارد.

با ورود به بحث متوجه شدم که مشکل تنها این نیست. مشکل مهمتر آنست که در حد اطلاع من، تاکنون کسی به صورت جدی به این موضوع نپرداخته است، بویژه اگر قضیه را از زاویه فقهی نگاه کنیم. اگر بگذریم از کارهای آقای دکتر فیض، که خود یک حقوق دان است تا فقیه، صاحب اثر دیگری که بصورت فنی مساله را به بحث کشیده باشد، در میان فقهای شیعه ندیدم.

این در حالی است که در میان فقهای اهل سنت مساله از سابقه بهتری برخوردار است.

کتاب ارزشمند التشریح الجنائی الاسلامی نوشته دانشمند ارجمند عبد القادر عوده گواه خوبی بر این مدعی است.



مشکل در اختیار نداشتن منابع کافی، وقت و مجال اندک، فراخ بودن میدان بحث و مشکلات دیگر مزید علت شد تا نتوانم آنگونه که می‌بایست، بفرجام رسانم. اما بهر حال خدا را شاکرم که توفیق پیدا کردم حداقل مسیری شایسته تعقیب را پیدا کنم.

اگر از مشکلات بگذریم عمده توجه من در این گفتار پاسخ به این سؤال اساسی بوده است که واقعا مجازاتهای اسلامی از چه خصوصیات و ویژگیهایی برخوردار است؟ و تفاوت آنها با دیگر سیستمهای مجازات در دنیا در چه چیزی نهفته است؟ در این نوشته کوشیده‌ام کاری را آغاز کنم که سابقه چندانی ندارد و برای توضیح مطالب از نوشته‌های هر صاحب نظری که توانسته و یافته‌ام بدون در نظر داشتن تعلقش به مکتب خاصی، استفاده نموده‌ام و تلاش من دست یابی به حقیقت مجازاتهای اسلامی بوده است و هیچگاه در تلاش برای توجیه و همسان سازی با مدل‌های روز برنیامده‌ام. تلاش کرده‌ام آئینه‌ای باشم برای خورشید حقیقت اسلام. چه من بر این عقیده‌ام که هر گاه بخواهیم هر حکمی از اسلام را نه آنگونه که هست، بشناسیم. فقط خود را فریب داده‌ایم و هم از اثرات دنیا و هم از نتایج اخروی بی‌بهره می‌مانیم.

مثلاً تلاش در جهت بدست دادن تعریف همسان با تعریف حقوق دانان غربی از جرم یا برشمردن تک تک عوامل رافع مسئولیت به جای ذکر شرایط مجازات و یا تلاش برای ذکر چند ویژگی برجسته از مجازاتهای اسلامی، بگونه‌ای که بتوان از آنها بعنوان ضابطه کلی استفاده کرد، بجای توجه به دقایق شرایط و ویژگیهای مجازاتها که چه بسی در تعیین حکم نقش داشته باشند همگی از مصادیق همسان سازی به حساب می‌آیند و من کوشیده‌ام از آن پرهیز کنم.

اما اعتراف می‌کنم که این کار فقط یک آغاز برای ادامه است. در واقع افقی است  
فرا روی در من و امثال من که در لباس روحانیت در تقلائی نجات تمدن مظلوم و در  
عین حال نجات بخش اسلام‌اند. به امید رسیدن به این هدف.

علی شریفی

۸۰/۷/۷

## بخش اول: جرم

در این بخش تلاش خواهد شد مباحث مربوط به جرم که ما را در فهم ویژگیهای مجازات یاری می‌رساند مطرح شود چه برای رسیدن به مجازات در قدم نخست باید از روی مباحث مربوط به جرم عبور کرد زیرا که رابطه جرم و مجازات رابطه موضوع و حکم است. در واقع تا جرم نباشد مجازات مفهومی نخواهد داشت.

## فصل اول

تعریف و ماهیت جرم

در این فصل این مباحث را مرور خواهیم کرد.

۱- جرم در لغت

۲- فرق جرم و جنایت

۳- جرم در اصطلاح فقها

۴- جرم در عرف حقوقدانان.

## الف) جرم در لغت

جرم در اصل به معنی قطع کردن میوه درخت است.<sup>۱</sup> اما در معانی مختلف استعمال شده است که از آن جمله است.

۱- هر کسب و کار زشت و مکروه.<sup>۲</sup>

۲- به معنی وادار کردن به هر کار ناپسند که از آیه ۴ سوره مائده:

«یا قوم لا یجر منکم شقاقی؛ ای لا یحملنکم»<sup>۳</sup> استفاده شده است. در اینجا «لا یجر منکم» را که از ماده «جرم»<sup>۴</sup> است، به معنی لا یحملنکم که همان وادار کردن است، آورده‌اند.

۳- به معنی «لابد» چنانچه گویند: لاجرم چنین خواهد شد.<sup>۴</sup> لاجرم از ماده جرم در اینجا به معنی لابد است.

عمده وجه نظر ما در این گفتار معنی اول جرم است، که کسب و کارهای زشت می‌باشد. زیرا:

اولاً: با ریشه‌ی اصلی آن که قطع کردن باشد همخوانی دارد. چون قطع از امور ذات‌الاضافه است و بدون مقطوع نمی‌شود همانگونه که منقطع عنه نیز در آن ضروری است. در جرم نیز انسان از چیزی می‌برد و چیزی بریده می‌شود و کسی می‌برد. آنکه می‌برد معلوم است که خود انسان است. بریده شده یا منقطع عنه حق است زیرا انسان مجرم از حق می‌برد زیرا کسب و کارهای زشت یعنی بریدن از حق و گرایش به باطل.

۱. راغب اصفهانی، مفردات القرآن ذیل واژه (جرم) و نیز نهاییه، ابن اثیر.

۲. همان.

۳. ابن اثیر، همان، و نیز طباطبائی، المیزان، ج ۱۰، ص ۲۰۹.

۴. همان.

چون کارهای زشت از مصادیق بارز باطل است و همین انقطاع از حق را معنی متداول جرم دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

ثانیاً: جرم یا ارتکاب چیزی است که شرع آن را ممنوع کرده است و یا قانون و عرف. در هر دو فرض مرتکب آن مورد سرزنش عقلا است و سرزنش عقلاء نیست مگر به خاطر کسب کار زشت و ناپسند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جرم در لغت همان ارتکاب کارهای زشت و ناپسند است که مخالف حق و عدل است.<sup>۲</sup>

### (ب) جرم و جنایت

جنایت در لغت اسم است برای اکتساب شر. اما در اصطلاح فقها اسم است برای فعل حرام شرعی، چه بر نفس باشد یا بر مال و جز آنها<sup>۳</sup> در واقع از نظر معنای لغوی با آن معنایی که ما از جرم بدست آوردیم تفاوت جوهری ندارد. چه کسب کارهای ناپسند و یا اکتساب شر با هم تفاوت چندانی ندارند جز اینکه در واژه شر حالت شدت و اهمیت بیشتر از واژه «ناپسند» است. اما در اصطلاح چنانکه خواهد آمد برخی در خصوص جراحات جانی اسم جنایت را به کار برده‌اند<sup>۴</sup> تا آنجا که فاضل مقداد اسم کتاب قصاصش را کتاب الجنایات گذاشته است.

برخی دیگر خصوص جرمهایی را که در دنیا برای آن مجازات معین شده است جنایت نامیده‌اند و گفته‌اند:

۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳، ص ۳۳۴.

۲. علی‌رضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۶۸.

۳. عبد القادر، عوده، التشریح الجنائی، ص ۶۸.

۴. همان و علی‌رضا فیض ص ۷۲.

«گناههایی که شارع برای آن مجازات دنیوی معین قرار داده است، در اصطلاح فقها جنایت گفته می‌شود.» بدین ترتیب جنایت از نظر انطباق اخص از جرم است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که به جز حالت شدتی که در جنایت وجود دارد و اینکه نوعی از فجیع بودن در آن لحاظ شده است تفاوت دیگری به چشم نمی‌خورد. بدیهی است که جراحات و قتل این حالت را دارند از این رو تسمیه آنها به این نام خالی از لطف نیست.

### ج) جرم در اصطلاح فقها:

فقهای متقدم اصطلاح خاصی که از آن به جرم تعبیر آورده شده باشد ندارند. بحثهای آنان بیشتر روی مصادیق جرم و تعیین حکم آن بوده است. از این رو اگر هم بخواهیم برای فقها اصطلاحی در این زمینه بدست آوریم ناگزیریم در قدم نخست واژه‌هایی را که مبین این حالت‌اند - حالت نقض قانون و کسب کارهای زشت و قابل ملامت - در لغت و قرآن و کلمات فقها بررسی کنیم، تا به فهم فقها از جرم برسیم و برای این هدف به ناچار باید مقدمه‌ای را متعرض شویم و آن اینکه: بدون شک بین قانون عرفی و قانون شرعی تفاوتی وجود دارد. از مهمترین این تفاوتها دو تفاوت است:

**الف) تفاوت اول در منبع قانون است.** زیرا قوانین عرفیه نتیجه فکر و اندیشه عقلاء و بشر است که از راه تحلیل پدیده‌ها و کشف روابط آنها به صلاح تشخیص می‌دهند

---

<sup>۱</sup> صدر، سید اسماعیل، تعلیقه بر حقوق جنائی اسلام، ص ۹۱.

که بگونه‌ای خاص رفتار شود. در حالیکه منبع قانون در شریعت ذات پاک خداوند می‌باشد: (ان الحکم الا الله) و (من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون).<sup>۱</sup>

**ب) تفاوت دوم در هدف از جعل قانون است.** در قوانین عرفیه اهداف خاصی چون تأمین نظم و ایجاد زمینه‌های فعالیت اقتصادی و... مورد نظر است در حالیکه در شرع و لو اهداف فوق از نظر دور نیست اما برای فقیهی که در مقام بیان حکم خدا است یک هدف بیشتر وجود ندارد و آن تأمین رضایت ذات پاک خداوندی است. هر قانونی که بر خلاف اراده او باشد مردود است و هر قانونی که منبعت از اراده او باشد مورد قبول است و لو ما به حقیقت مصالح آن حکم نرسیده باشیم.

پس از بیان این مقدمه به این نتیجه می‌رسیم که هر عملی که بر خلاف رضایت خداوند انجام پذیرد مورد ملامت و سرزنش شرع است و متشرع نیز آن را زشت و ناپسند می‌داند. این حالت عصیان و بر خلاف رضایت خداوند عمل کردن را فقها با واژه‌های مختلف بیان کرده‌اند که ریشه یابی آنها ما را به فهم ایشان از معنای جرم کمک می‌کند.

**۱- عصیان یا معصیت:** این واژه بمعنی خروج از اطاعت و مخالفت با امر مولی آمده است.<sup>۲</sup>

**۲- اثم:** بمعنی فعل قبیحی که کننده‌اش سزاوار ملامت و سرزنش باشد و برخی گفته‌اند هر چیزی است که نفس از آن تنفر داشته باشد و قلب نسبت به آن مطمئن نباشد.<sup>۳</sup>

۱. قرآن کریم، یوسف، ۴۰، مائده، ۴۴.

۲. لسان العرب و مفردات راغب ذیل واژه معصیت.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵۳.



و در اصل به معنای کارهای است که سستی می‌آورد از این رو عرب به شتر کند رو «آثمه» می‌گویند.<sup>۱</sup> به همین دلیل که در معنای اثم سستی و کندی خوابیده است راغب در ذیل آیه «فیهما اثم کبیر و منافع للناس» می‌گویند: یعنی در خوردن شراب ابطاء و کندی از خیرات است.<sup>۲</sup>

۳- **ذنب**: این کلمه از ذنب گرفته شده است که متضمن سه معنا است.

۱- دنباله روی

۲- اتصال

۳- ذلت و پستی

بنابراین بر هر کاری که پست باشد و عواقب آن از فاعلش جدا نشود و فوراً بعد از انجام عمل گریبان فاعل را بگیرد، ذنب گفته می‌شود و بر این نوع از گناهان اطلاق شده است.<sup>۳</sup>

۴- **سیئه**: در اصطلاح سیئه بر آن دسته از گناهیانی اطلاق شده است که خداوند وعده آتش داده است و به معنی شرک نیز آمده است و این معنا موافق با مذهب ما است. چون غیر از شرک گناهی نیست که موجب خلود در آتش گردد.<sup>۴</sup>

۵- **خطیئه**: این واژه را بمعنی انحراف از مسیر استعمال کرده‌اند و با معنای سیئه نزدیک است. با این تفاوت که خطیئه اکثراً در مواردی بکار می‌رود که مقصود سبب

۱. لسان العرب، ذیل کلمه اثم.

۲. راغب، همان، ج ۱، ص ۱۴.

۳. حسن مصطفوی، همان، ص ۳۳۴.

۴. طبرسی، همان.

گناه باشد نه خود گناه. مثل کسی که صید را می‌زند اما به انسانی اصابت می‌کند. بنابراین خطیئه در جایی است که فاعل عمد نداشته باشد.<sup>۱</sup>

واژه‌های فوق و نیز جرم، حوب و وزر و جناح و... جمعا کلماتی‌اند که برای بیان مقصودی نزدیک به هم بکار می‌روند. تفاوت‌های کوچکی با هم دارند که در متن زیر نشان داده شده است:

پس فرق بین اثم، خطا، حوب، جرم، و زر و معصیت و... روشن شد: در ذنب نظر به جهت لحوق، دثانت و تبعیت است، در وزر به جهت ثقل و اینکه تحملش سنگین است در خطاء به جهت خطا بودن، در معصیت جهت عصیات امر و خلاف تکلیف و در اثم؛ جهت کندی و در جرم به جهت انقطاع از حق نظر است.<sup>۲</sup>

پس روشن شد که در لغت بین جرم و واژه‌هایی دیگری که مبین حالت نقض قانون باشد تفاوت جوهری وجود ندارد و فقها نیز از همه این واژه‌ها برای بیان مقصودشان از آن حالت استفاده کرده‌اند. حال بینیم نظر قرآن در این مورد چیست؟

### (د) جرم در قرآن

در قرآن واژه جرم با مشتقات خود حدود هفتاد بار استفاده شده است و هم در جرم‌های دنیوی و هم اخروی بکار رفته است. در یک نگاه اجمالی<sup>۳</sup> معنا را می‌توان از قرآن برای واژه جرم استنباط کرد:

<sup>۱</sup>. راغب، همان.

<sup>۲</sup>. حسن مصطفیوی، همان.

۱- معنی وا دار کردن: «ولا یجر منکم شأن قوم آن صدو کم عن المسجد الحرام آن تعتدوا»<sup>۱</sup> قبلاً گذشت همه مفسرین این واژه را به معنی لا یحملنکم گرفته‌اند.

۲- معصیت و نافرمانی از امر خدا: «فاستکبروا و کانوا قوما مجرمین»<sup>۲</sup> استکبار در مقابل خداوند چیزی جز حالت عصیان و نافرمانی از امر خداوند نیست که این آیه این حالت را حالت اجرام می‌نامد.

۳- کفر: «أفجعل المسلمین کالمجرمین»<sup>۳</sup>، در این آیه بین اسلام و حالت اجرام مقابله صورت گرفته است که می‌فهماند مقصود کافرین است و شاید هم به معنای دوم بر گردانیم چون مسلم یعنی تسلیم فرمان خدا و مجرم یعنی کسی که در مقابل امر خداوند سرکشی می‌کند و عصیان به خرج می‌دهد.

از تتبع در آیات استفاده می‌شود که عمده این واژه مبین حالت عناد و لجاج است و معمولاً درباره اشخاص و گروههای از انسانها بکار رفته است که آگاهانه نسبت به امر خداوند بی اعتنائی کرده‌اند. به همین دلیل نوعاً برای آنها وعده عذابهای سخت داده شده است و حتی آن را وصف گروهی قرار می‌دهد که حتماً وارد جهنم می‌شوند:

«ان المجرمین فی عذاب جهنم خالدین»<sup>۴</sup> همانا مجرمین در عذاب جهنم جاویدان‌اند. و یا آن را وصف گروهی قرار می‌دهد که به عذابهای سخت در دنیا مبتلا شده‌اند:

۱. مائده، آیه ۲.

۲. یونس، آیه ۷۵.

۳. قلم، آیه ۶۸.

۴. زخرف، آیه ۴۳.

«فأصبحوا لا يرى إلا مساكنهم كذلك نجزي القوم المجرمين»<sup>۱</sup> پس شبی صبح کردند که بعد قوم عاد هلاک<sup>۲</sup> باد شدند و جز خانه های ویرانه اثری از آنان نماند. ما بدین گونه قوم بد کار را مجازات می کنیم.

در این زمینه قرآن تا آنجا پیش می رود که صریحا اعلام می دارد، هر گاه گروهی یا کسی وصف مجرم بودن برایش محقق شود هرگز بخشیده نخواهد شد: «ان نفع عن طائفة منكم نعتب طائفة اخرى بانهم كانوا مجرمين»<sup>۲</sup> اگر از برخی نادانان و ساده لوحان شما در گذریم گروه (فتنه گر) را عذاب خواهیم کرد که مردم زشت و بد کاراند. از آیات فوق می توان نتیجه گرفت که مجرم در اصطلاح قرآن گروهی است که گناهان بسیار بزرگ انجام داده اند و حالت عصیان و سرکشی در آنها به حد اعلی رسیده است و این معنا با معنای لغوی جرم نیز تناسب بسیار نزدیک دارد. زیرا گروهی که چنین بی باک در مقابل امر خداوند عمل می کنند، مسلماً کاملاً از حق بریده اند و جذب باطل شده اند و چنین دسته ای سزاوار بخشش هم نخواهد بود. آخرین مرحله ای که در تعیین مراد فقها از جرم باید پیموده شود تتبع در کلمات خود آنهاست. اما این جستار با این مانع مواجه است که معمولاً فقها جرم را بعنوان یک موضوع خاص آنگونه که در حقوق عرفی مطرح شده است بحث نکرده اند. از این رو رسیدن به مقصود آنها کار دشواری است.

---

۱. احقاف، آیه ۲۵.

۲. توبه، آیه ۶۸.